

تحلیل گونه‌شناسانه عوامل مؤثر بر خوانایی نشانه‌های شهری (مطالعه موردی: خیابان ولیعصر(ع) تهران محدوده میدان ونک تا میدان تجریش)

مهندس اینا محمد حسنی*، مهندس ابوالفضل طغرایي**، دکتر مرتضی میرغلامی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۰۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۱/۰۸

چکیده

نوشتار حاضر پس از ارائه یک دسته‌بندی از نشانه‌های شهری به طور عام، درصدد پاسخگویی به این سوال است که اولاً کدام گونه از نشانه‌ها در خوانایی معابر ساختاری شهری نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کنند؛ و ثانیاً سه مؤلفه کالبدی-بصری، عملکردی و معنایی نشانه‌ها هر یک چه نقشی در به‌یادسپاری آنها دارند. بدین منظور در این پژوهش کیفی پس از مرور ادبیات موضوع و جمع‌بندی آن و تدوین یک چارچوب مفهومی از انواع نشانه‌های شهری؛ در گام اول به شناسایی نشانه‌های شهری (دریکی از معابر ساختاری شهر تهران) با استفاده از تحلیل نقشه‌های ذهنی، و در گام دوم به استخراج و تحلیل مؤلفه‌هایی که سبب شاخص شدن عناصر فوق شده‌اند، پرداخته شد. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهند که به ترتیب مؤلفه‌های عملکردی و کالبدی؛ و متغیرهای نوع استفاده، شدت استفاده و نمایی بیشترین اثرگذاری را بر خوانایی نشانه‌ای عناصر شهری دارا می‌باشند. همچنین غالب‌ترین گونه‌های نشانه‌های شهری، نشانه‌های عملکردی، کالبدی و کالبدی-عملکردی هستند.

واژه‌های کلیدی

نشانه شهری، معنای نشانه‌ای، معابر ساختاری، تصویر ذهنی

* کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email:hassanielina@yahoo.com

** پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email:a.toghrayi@modares.ac.ir

*** استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

Email:m.mirgholami.@tabriziau.ac.ir

مقدمه

است. افراد متعددی از سوسور (۱۳۷۸) گرفته تا بارت (۱۳۷۰) و پیرس و اکو در این حوزه به ارائه نظر پرداخته‌اند. منظور از نشانه‌شناسی دانشی است که به بررسی کارکرد اجتماعی نشانه‌ها و یافتن سازوکارهای تولید معنی از طریق نظام‌های نشانه‌ای می‌پردازد (سجودی، ۱۳۸۳).

اما آنچه که در این مقاله، و به‌طور کلی مطالعات شهری، از آن به «نشانه» یاد می‌شود، انطباق کامل با این نگاه ندارد، بلکه دارای اشتراکات و تفاوت‌هایی است که مورد مطالعه پژوهشگران بوده و هست. نتایج حاصل از این مطالعات نشان می‌دهد واژه نشانه در علم نشانه‌شناسی که معادل واژه *sign* آمده با آنچه در شهرسازی با عنوان نشانه (شهری) یاد می‌شود و معادل *urban landmark* است تفاوت‌هایی دارد. این مفهوم ضمن اینکه دارای ریشه‌هایی در نشانه‌شناسی است، خود ادبیات مستقلی در ارتباط با ادراک محیطی، خوانایی، راه‌یابی^۲ و غیره در شهرسازی دارد.

سوسور، پدر علم زبان‌شناسی و از پیش‌گامان علم نشانه‌شناسی، نشانه را موضوعی «کالبدی» و در عین حال «معنادار» می‌پندارد، پدیده‌ای که از ترکیب «دال^۳» و «مدلول^۴» شکل می‌گیرد (چندلر، ۱۳۸۷، ۲). گرچه همان روابط دال و مدلولی را می‌توان در بحث نشانه‌های شهری نیز سراغ گرفت، لیکن دسته بندی‌های ارائه شده توسط نشانه‌شناسان که بیشتر در حوزه‌های تحلیل متنی کاربرد دارند به دلیل تفاوت محتوایی که نشانه شهری با زبان‌شناسی دارد عملاً مفید نیست. چرا که نشانه‌شناسان زبان شناس صرفاً به تحلیل روابط دال و مدلولی اکتفا می‌کنند، و این در حالیست که در مطالعات نشانه‌شناسی شهری موضوع مورد تأکید چیزی ورای تحلیل صرف روابط دال و مدلولی بوده؛ علاوه بر آن به تحلیل جایگاه نشانه در تصاویر ذهنی مردم و ارتباط آن با فرایندهای ادراک و شناخت می‌پردازد؛ و بر خلاف زبان‌شناسی، علم نشانه‌شناسی به دنبال کاربردی کردن نتایج حاصل از پژوهش‌ها در ارتقاء کیفیت زیست در شهرها است.

ن مؤلفه های مختلف نشانه‌های شهری

هر پدیده‌ای در جهان هستی دارای فرم و محتوایی است. البته تجزیه یک پدیده به فرم و محتوا تنها به صورت انتزاعی امکان پذیر است. محتوا، موضوع، معنی و مفهومی است که در یک پدیده نهفته است. محتوا دارای خصلتی دوگانه است: عینی و ذهنی. محتوای یک پدیده یا فرایند در داخل اثر نهفته است. به‌طور کلی تجزیه پدیده‌ها به فرم و محتوا در حوزه‌های کلانی چون هنر و علوم انسانی و به تبع آن حوزه‌های خرد از سینما گرفته تا نقاشی، و معماری و طراحی شهری (پاکزاد، ۱۳۸۸) سنت رایجی است. این تجزیه راه را در تحلیل دقیق‌تر آثار و پدیده‌ها، چه از بعد زیبایی‌شناسانه و چه ابعاد دیگر، هموار می‌کند.

اگر پذیرفته شود که شهر ملموس‌ترین و پیچیده‌ترین مخلوق ساخت بشر است، پس حتماً ارتباط متقابل بین او و شهر نیز بسیار با اهمیت است. تأثیری که محیط زندگی انسان بر او می‌گذارد، بر کسی پوشیده نیست، حال آنکه این محیط زندگی برای غالب نوع بشر همان بزرگترین مخلوق ساخته دست اوست. از سوی دیگر هویت‌مندی شهرها و فضاهای شهری نیازمند خوانایی آنها است (خطیبی، ۱۳۹۲)؛ طبق دسته‌بندی لینچ (۱۳۸۵) پنج عنصر مسیر، لبه، نشانه، حوزه و گره عناصر خوانایی شهر هستند. در این بین، نشانه‌ها به عنوان عناصری منفرد که همچون میخ‌هایی بر صفحات ذهنی شهروندان کوبیده شده‌اند، نقش ویژه‌ای دارند.

شهرهای امروز کشور ما مملو از عناصری است که به مدد فناوری‌های نوین در ساخت، به دنبال شاخص کردن خود در منظر شهری هستند؛ غافل از اینکه سازندگان آنها بدانند برای شهروندان ایرانی چه فضایی خوانا و بامعنی است؟ بنابراین با توجه به اهمیت نشانه‌ها و عناصر شاخص شهری در خوانایی از یک سو و آشفتگی سیما و منظر شهری و تصویر ذهنی شهروندانمان از آن از سوی دیگر، ضرورت پرداختن به این عناصر تأثیر گذار خود را بیش از پیش نمایان می‌سازد. این پژوهش از نوع کیفی بوده و به دنبال تدوین یک گونه‌شناسی کاربردی از نشانه‌های شهری و تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر خوانایی آنها است. بخش نخست این نوشتار به مرور، تحلیل و جمع‌بندی ادبیات موجود در زمینه نشانه‌های شهری در سه حوزه کالبدی، عملکردی و معنایی پرداخته است. محصول این بخش چارچوبی مفهومیست که متغیرهای تحلیلی مؤثر بر خوانایی نشانه‌های شهری را در هر سه مؤلفه فوق ارائه می‌دهد. در بخش دوم طی پیمایش و مصاحبه، با روش اخذ تصویر ذهنی (معطوف به نشانه‌های شهردیدر طول خیابان ولیعصر تهران) از مردم و پرسش از علت شاخص بودن این عناصر در نظر آنها و نیز با تحلیل رفتارهای کلامی و غیر کلامی به بررسی نشانه‌ها بر اساس چارچوب مفهومی تدوین شده در مرحله قبل پرداخته می‌شود. در انتها نیز پس از بحث، نتایج ارائه می‌شود که معطوف به اصلی‌ترین مؤلفه‌های سازنده نشانه‌های شهری، و غالب‌ترین گونه‌های نشانه‌های حاضر در محدوده هستند.

مبانی نظری

نشانه

آنچه که در علم نشانه‌شناسی با عنوان نشانه^۱ مورد استفاده است، یکی از پیچیده‌ترین و مورد بحث‌ترین مفاهیم در حوزه علوم انسانی و هنر

که خود در متن سلسله مراتبی از مکان‌های بزرگتر و اندرکنشی از روابط معنایی میان آنها قرار دارد. روابط معنایی‌ای که بخشی از هویت آن هستند (تابان و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین کالبد^۱، عملکرد و معنی اجزای تشکیل‌دهنده نشانه هستند، مؤلفه‌هایی که چنان در هم عجین شده‌اند، که نمی‌توان یکی از آنها را بدون دیگران تصور کرده، عنصر نشانه‌ای را از وحدت وجودی‌اش عاری کرد. اگر در این نوشتار این تفکیک انجام می‌گیرد، فقط انتزاعی است و جهت توضیح علمی این مقولات صورت پذیرفته است.

رولان بارت^{۱۱} معتقد است که در میان شهرسازان به مفهوم کامل کلمه هرگز از نشانه‌ها سخنی به میان نیامده است، اگرچه به اعتقاد او لینیچ توانسته است بیش از دیگران به مسائل نشانه‌شناسی شهری نزدیک شود اما در واقع وی، تحقیقات لینیچ را از نظر نشانه‌شناسی نا مفهوم می‌داند (بحرینی و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۰۷). از نظرات لینیچ (۱۳۸۵)، این تعریف استخراج می‌شود: نشانه شهری، عنصری است با ظاهری مشخص که از زمینه خود به صورت متمایز و برجسته ادراک می‌شود، و دارای مقیاس‌های متنوعی - از کلان تا خرد - می‌باشد. برخی از نشانه‌ها برای جهت‌یابی مورد استفاده قرار می‌گیرند. پاکزاد (۱۳۸۵) با الهام از لینیچ و بر اساس نگاهی همه‌جانبه‌تر تعریفی از نشانه شهری ارائه داده که به رویکرد نظری این مقاله نزدیک‌تر است: «نشانه‌های شهری نقاط عطف ذهنی در سیمای شهر می‌باشند که توسط ظاهر، عملکرد یا معنای یک عنصر شهر به وجود آمده و به عنوان نقاط مبنا در جهت‌یابی مورد استفاده می‌گیرند.»

۱ مؤلفه کالبدی نشانه شهری

به نظر می‌رسد تشخیص شکلی، پرداخته‌شده‌ترین و مورد اجماع‌ترین ویژگی یک عنصر نشانه‌ای است؛ بدین معنی که بسیاری از پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه نشانه شهری (Kalin & Yilmaz, 2012; Appleyard, 1970; Caduff & Timpf, 2008) بیشتر بر مؤلفه کالبدی-بصری نشانه متمرکز بوده‌اند و چه به عمد و چه به سهو ابعاد عملکردی و معنایی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است. برای مثال لینیچ (۱۳۸۵، ۱۴۴) نشانه‌ها را عناصری قلمداد می‌کند که ظاهر آنها مورد توجه ناظر قرار گرفته و در نتیجه جنبه بیرونی آنها حائز اهمیت است؛ همچنین این عناصر می‌توانند دارای مقیاس‌های متفاوتی باشند، وی بر این باور است که در شهر امروز مردم با تکیه بر نشانه‌ها نقش شهر را درک می‌کنند. در نظر وی نشانه‌ها نیز عواملی در تشخیص قسمت‌های مختلف شهر هستند با این تفاوت که ناظر به درون آنها راه نمی‌یابد و می‌توانند مقیاسی بسیار متفاوت داشته باشند. البته این به معنی نادیده گرفتن کامل ابعاد عملکردی و معنایی نیست. مثلاً وی (همان،

جنبه‌های ذهنی و عینی محتوای یک پدیده در هم عجین شده و جدایی‌ناپذیر هستند. عنصر زیبایی‌شناختی یک اثر نه فقط در فرم آن که در محتوای آن نیز وجود دارد. این درهم‌تنیدگی مفهومی، درباره مفاهیم شناخت^۵ و ادراک^۶، به عنوان دو ابزار پایه‌ای مواجهه انسان با محیط پیرامون خود، نیز صادق است. کانتر (۱۹۷۷) شناخت را در پیوند با ادراک تعریف می‌کند و جدا کردن این دو را صرفاً به صورت انتزاعی و در واژه‌نامه‌ها امکان‌پذیر می‌داند. هر دو فرایند فوق به طور هم‌زمان به کار گرفته می‌شوند و فرایند شناخت، همواره ادراک را نیز در بر می‌گیرد. این نوع نگاه به محیط و فضای شهری، سبب تدوین مدلی برای مؤلفه‌های مکان (به عنوان مؤثرترین حوزه ادراکی و شناختی بر رفتار و زندگی انسان در شهر) توسط کانتر می‌شود. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: ویژگی‌های فیزیکی^۷، فعالیت‌ها^۸، و تصورات^۹ (همان). جذابیت و کارایی مدل کانتر باعث شده‌است تا دیگرانی چون پانتز (۱۹۹۱) از آن استفاده کنند. مدل «حس مکان» پانتز مشتمل بر سه مؤلفه کالبد، فعالیت و معنی است که در خلق حس مکان دخیل هستند که به نحو قابل ملاحظه‌ای با سه مؤلفه پیشنهادی کانتر تشابه دارند. شولتز (۱۳۸۱) که «دنیای زندگی» را در ارتباط با مکان و اجتماع می‌داند، مفهوم «حضور در مکان» را در چارچوب سه مؤلفه اصلی بیان می‌دارد: کارکرد، درک و اجرا. برابر تعریف وی نسبت میان سه بعد حضور به عنوان عناصر مشخصی از یک کلیت، از گونه‌ای است که به اصطلاح «روی دادن» و «مکان گرفتن» گفته می‌شود.

ادراک محیط و عناصر آن از نظر میشاییل تریب، جمع تصورات ذهنی است که یک شخص از کارکردهای فضای موجود، ظاهر و مفهوم و معنای آن به دست می‌آورد. به دیگر سخن او برای تصویر ذهنی و اجزای آن، سه زمینه ادراکی قائل است: فایده، تظاهر بیرونی و معنی (Trieb, 1974, 73). فایده مترتب بر ابعاد کارکردی و عملکردی است.

رلف (۱۹۷۶) حس مکان و روح مکان را زیر مجموعه‌های «هویت مکان» می‌داند. وی هویت مکانی را حاصل ارتباط دیالکتیک سه عنصر ساختاری تعریف می‌کند: مشخصات کالبدی، فعالیت‌ها و معنی. فرم و معنی در تجربه‌ای مشترک از مناظر شهری و چشم‌اندازها، ترکیب می‌شوند؛ و فعالیت‌ها و معنای در امور اجتماعی و تاریخ جمعی که محیط کالبدی در آن نقش کم‌رنگ‌تری ایفا می‌کند، در هم می‌تنند. بنابراین می‌توان ظاهر یک پدیده را فرم، و عملکرد و معنای آن را محتوای آن نامید. عملکرد به طور معمول فایده یک پدیده برای انسان است، ولی معنا، ارزش، مفهوم و پیام (چه عقلی و چه احساسی) یک پدیده می‌باشد (پاکزاد، ۱۳۸۸، ۹۶).

با توجه به آنچه گفته شد از یک سو، و اهمیت ادراکی و پدیدارشناسانه نشانه‌ها از سوی دیگر، می‌توان نشانه را نقطه‌ای مکان شده تلقی نمود،

همین خاطر بسته به موقعیت، عملکردهای متفاوتی را برای یک پدیده قائل می‌شود و گاه بالعکس پدیده‌ها را بر اساس عملکرد مشترک آنها گروه‌بندی می‌کند.

در محیط شهری عناصری وجود دارند که دارای کاربری خاص و مهم هستند (تشخیص این اهمیت می‌تواند کاملاً مبتنی بر فرد استفاده‌کننده باشد). این اهمیت عملکردی می‌تواند در تشدید نقش نشانه‌ای آن عنصر مؤثر باشد. با توجه به اهمیت غیرقابل انکار فرم در نشانه‌شدن عناصر شهری، عملکرد (کارکرد) نشانه‌ها کمتر مورد تأکید بوده‌اند. مثلاً اپلیارد برجستگی عملکردی نشانه شهری را به عنوان زیر مجموعه‌ای از فاکتور «اهمیت» در نظر گرفته است. به اعتقاد او، مهمترین عوامل مؤثر در بعد اهمیت عبارت اند از: حجم استفاده، منحصر به فرد بودن کاربری و موقعیت نمادین، تاریخی و فرهنگی (Appleyard, 1970)؛ که موارد نخست و دوم معطوف به حوزه عملکرد (شدت استفاده و نوع استفاده) هستند.

همچنین لینچ نیز عملکرد را از نظر دور نمی‌دارد و می‌نویسد: «عملکرد یک عنصر شهری نیز می‌تواند آن را تبدیل به نشانه نماید». سپس از تالار سمفونی لس آنجلس نام می‌برد که علی‌رغم ظاهر ساده و بی‌آلایش، صرفاً به دلیل کاربری و موقعیت فرهنگی (و تضاد میان این دو بعد) در ذهن ساکنان تشخیص یافته است (لینچ، ۱۳۸۵، ۱۴۸). البته به نظر می‌رسد تفسیر او از عملکرد، صرفاً محدود به تضاد کارکردی میان یک عنصر با بافت و زمینه مجاورش محدود می‌شود.

زمان استفاده از یک عنصر شهری نیز می‌تواند در تقویت خاصیت نشانه‌ای آن نقش ایفا نماید. ساعاتی از شبانه روز (چرخه روزمره) یا ایامی از سال (چرخه غیر روزمره) که یک محل دارای فعالیتی ویژه است در تشدید خاصیت نشانه‌ای آن در ذهن استفاده‌کنندگان از فضا مؤثر باشد. مثلاً یک درمان‌گاه شبانه‌روزی یا یک حسینیه که در ایام محرم محل عزاداری است می‌توانند به عنوان یک نشانه قلمداد شوند. هرچه نوع استفاده‌کنندگان از یک فضا، ساختمان و غیره خاص‌تر باشد، اهمیت نشانه‌ای این عنصر بیشتر خواهد شد. دسته‌بندی نوع استفاده‌کنندگان یک عنصر شهری، می‌تواند بر اساس سن، جنس، فرهنگ و مذهب، و میزان درآمد انجام گیرد. مثلاً یک پارک کودک یا بانوان، یک زمین رها شده که محل تجمع معتادان و بزهکاران است و غیره می‌توانند در ذهن استفاده‌کنندگان از فضا به عنوان یک نشانه شهری مطرح شوند.

مؤلفه معنایی نشانه شهری

به نظر گریسون وقتی از نماد، شمایل یا نمایه سخن گفته می‌شود، (صرفاً) به کیفیات عینی نشانه پرداخته نشده، بلکه تجربه مخاطب در

از عملکرد نیز به عنوان عاملی که می‌تواند یک عنصر را نشانه کند، یاد می‌کند؛ اما تأکیدی روی آن ندارد. لینچ ویژگی‌های متعددی را برای یک نشانه خوانا معرفی می‌کند، که موارد زیر معطوف به بعد کالبد آن است:

بی‌نظیر بودن^{۱۲}: یا تفاوت قابل ملاحظه با محیط. شناخت نشانه مستلزم برجسته شدن آن در میان سایر عوامل است، لازم است نشانه‌ها بی‌مانند بوده و واجد ویژگی‌های خاص باشند تا در نهایت تصویری خاطره‌انگیز در ذهن افراد باقی بگذارند. از جمله عوامل برجسته شدن نشانه می‌توان به داشتن فرم واضح، تضاد با زمینه، تمایز از زمینه یا تسلط محل نشانه بر اطراف اشاره کرد. از میان عوامل متعدد شکل‌گیری یک نشانه، به اعتقاد لینچ «داشتن نقش، تصویر و یا فرمی که از زمینه خود متمایز باشد»، مؤثرترین عامل محسوب می‌شود. مثال‌هایی از منحصر به فردی در محیط کالبدی شامل تمایز یک ساختمان از محیط بلافضل خود به دلیل تفاوت‌های ظاهری است.

برجستگی موقعیت فضایی (تسلط فضایی)^{۱۳}: این برجستگی می‌تواند هنگامی رخ دهد که نخست یک عنصر بر محیط اطراف خود غلبه داشته باشد و از نقاط زیادی قابل رؤیت باشد. و دوم با عوامل نزدیک خود در تضاد باشد (از جهت ارتفاع، وضع قرارگیری، شکل).

اپلیارد^{۱۴} (۱۹۷۰) در پژوهشی به بررسی عناصر شاخص در تصویر ذهنی شهروندان پرداخت. او کاراکترهایی که یک عنصر شهری را در ذهن مردم به یادماندنی و نشانه‌ای می‌کند را تمایز فرم^{۱۵}، نمایانی (رؤیت‌پذیری)^{۱۶} و برخورداری از اهمیت^{۱۷} نمادین و عملکردی آن می‌داند، که از میان این عوامل حداقل تمایز فرم و نمایانی را می‌توان در حوزه کالبدی نشانه‌ها دسته‌بندی کرد. از عوامل تأثیر گذار بر تمایز فرم می‌توان اندازه، شکل، رنگ و مصالح، سبک ساخت و مبلمان بیرونی را نام برد. همچنین نمایانی را در ارتباط با موقعیت (جایگاه)^{۱۸} آن عنصر نسبت به مراکز و کانون‌های دید و فعالیت شهروندان ارزیابی می‌کند. تفاوت مهم پژوهش اپلیارد با لینچ در توجه او به موضوعاتی از جمله جهت و چگونگی حرکت ناظر، وضوح نقش، شیوه اشراف بصری و چگونگی دیده شدن نشانه توسط ناظر، دید لحظه‌ای به نشانه، میزان دوری یا نزدیکی ناظر نسبت به عنصر نشانه‌ای، شدت و نوع استفاده از آن می‌باشد.

مؤلفه عملکردی نشانه شهری

انسان نه فقط عملکردهای مختلف را بر اساس فعالیت‌های خود طبقه‌بندی می‌نماید، بلکه به دسته‌بندی پدیده‌ها در ذهن خود بر اساس عملکردی خاص می‌پردازد. نکته ظریف در اینجا آن است که انسان برای هر پدیده فقط یک خاصیت یا عملکرد قائل نیست، به

است (Rapoport, 1990). با اینکه بخش گسترده مجرای ارتباطی در ارتباطات غیر کلامی را اطلاعات بصری به خود اختصاص داده، لیکن به موازات آن سایر حس‌ها (نظیر ایماهای صوتی، بویایی، لامسه) نیز در وضوح پیام و کد زدایی از معانی به کار گرفته می‌شوند. این گونه اطلاعات را می‌توان در قالب گونه‌های صوتی، بصری، حرکات فضایی و حالات چهره و هر گونه اطلاعات فضایی دسته بندی نمود. از سوی دیگر شاید بتوان حرکت را یکی از پایه‌های ادراک محیطی دانست. تجربه دریافت نشانه‌های شهری همگام با تجربه حرکت رخ می‌دهد. تجربه حرکت در فضا است که با درهم آمیزی‌اش با تجربه زندگی روزمره معنی آن را آزاد می‌نماید.

از میان جنبه‌های ادراکی (دریافتی) و تداعی‌گر (یادآور) معنی محیط، معانی ادراکی با متغیرهای محیطی مؤثر بر ادراک و معانی تداعی‌گر بیشتر با حوزه اجتماعی، فرهنگی، قومی و بیولوژیکی مرتبط است (Ibid, 1990). بدین ترتیب معانی ادراکی به عنوان پیش‌زمینه معانی تداعی‌گر عمل می‌کنند. بنابراین می‌توان معنی را در سطوح مختلف و در طیف عمودی میان جنبه‌های ادراکی و تداعی کننده متغیر فرض کرده و جنبه‌های ادراکی را سطوح اولیه و جنبه‌های تداعی‌گر را سطوح عالی‌تر معنی دانست. معانی تداعی‌گر با اینکه در سطوح والاتر معنی به‌سر می‌برند لیکن از معانی ادراکی قابل فهم‌تر و ملموس‌ترند و به آسانی درک می‌شوند (شکل ۱). بنابراین اهمیت جنبه‌های تداعی‌گر معنی بسیار بیشتر از اهمیت جنبه‌های ادراکی است. وقتی یک عنصر نشانه می‌شود ابتدا به ساکن دارای معانی ادراکی است. همین عنصر وقتی در تلاقی با حوزه‌های هویتی و حافظه جمعی قرار می‌گیرند دارای معنی تداعی‌گر می‌شود که سطح پیشرفته‌تر معنی است و مفهوم نشانه معنایی همین جنبه‌های ارتقا یافته معنی محیطی از ادراکی به تداعی‌گر می‌باشد. یعنی معانی عناصر نشانه‌ای از طریق خروج از سطح ادراکی توسط متغیرهای فرهنگی و قومی-بیولوژیکی و ورود به سطح تداعی‌گر، تبدیل به نشانه معنایی می‌شود.



شکل ۱. سطوح معنای نشانه‌ای

راپاپورت (Rapoport, 1990) به تبعیت از اکمان^{۱۹} و همکارانش (Ekman et al., 1969) در حوزه روان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی،

مورد نشانه مدنظر قرار می‌گیرد. به تعبیری دیگر، باید گفت که ارجاع به هریک از انواع نشانه، بستگی به ذهنیت و نوع برداشت مخاطب دارد (ضمیران، ۱۳۸۲، ۵۵). مثلاً برج آزادی تهران ممکن است در نظر کسی نمودار تهران باشد، اما در نظر شخص دیگری نمود انقلاب اسلامی تلقی شود. سجودی (۱۳۸۳) اشاره می‌کند که نشانه‌شناسان نشانه‌ها را در انزوا مطالعه نمی‌کنند، بلکه توجه خود را به مطالعه شکل‌گیری و مبادله معنی در متون و گفتمان‌های مختلف و در بازه‌های زمانی گوناگون معطوف کرده‌اند. از منظر نشانه‌شناسی، «متن» در هر رسانه‌ای ممکن است شکل بگیرد و می‌تواند کلامی، غیر کلامی و یا ترکیبی از هر دو باشد. طبق این رویکرد شهر متنی است که نشانه‌ها در ارتباط با آن و در طول زمان واجد معنای ادراکی می‌شوند.

در نظر راپوپورت (۱۹۹۰) معنی محیط مهم‌ترین وجه آن است، لیکن به اعتقاد او معنی از عملکرد جدا نیست بلکه اهمیتی کانونی در دریافت جنبه‌های پنهان عملکرد محیطی دارد و افراد این کار را با استفاده از طبقه بندی اشکال و انگاره‌های محیطی انجام می‌دهند. این موضوع ارتباط نزدیکی با فرایند تولید تصاویر ذهنی دارد، عناصر کالبدی محیط به‌صورت معنایی در قالب عناصر تداعی‌گرایانه و ادراکی (همان) به‌صورت اشکال و نمادها و گروه‌های عملکردی و کالبدی کددهی می‌شوند. در مواجهه با عناصر کالبدی مفروض که کدهای معنایی مشابهی را گسیل می‌دارند، معانی کددهی شده، کدزدایی و در یک جریان پالایش اطلاعاتی کدها تعبیر می‌شوند و از این روی در تعیین رفتار محیطی، فرد و واکنش‌های احساسی و رفتاری وی مؤثر می‌گردند. از سوی دیگر گرچه زبان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های توجه به تولید معنی بوده است، (Saussure, (Gottdiener, 1985), (Lagopoulos, 1993) لیکن مطالعات معنی محیطی بدان محدود نشده‌است. رویکردهای سه‌گانه معناشناسی، نمادشناسی و ارتباطات غیر کلامی (Rapoport, 1990) در مطالعه معنای محیطی به کار رفته است؛ از این رو وقتی تحلیل نشانه‌شناختی به خارج از حوزه زبان‌شناسی وارد می‌شود، با روان‌شناسی فردی و اجتماعی (Gottdiene & Lagopoulos, 1986) ریشه‌های مشترکی می‌یابند و این زمانه‌ست که تفسیر زبان‌شناختی از کدگذاری بر بسیاری از فرایندهای تولید معنی ناتوان می‌ماند و عملاً بخش اعظم اطلاعات معنی در خلال تفسیر به زبان دچار ریزش می‌گردد. سازمان معنایی عناصر می‌توانند در اشکال کلامی، صوتی و غیر کلامی تبلور یابند. در چندین دهه اخیر رویکرد غیر کلامی از این رو که به زمینه تعاملات اجتماعی وابسته بوده و همه فهم هستند، در بسیاری از محافل آکادمیک مورد توجه قرار گرفته است. گفتمان اصلی این رویکردها که بیشتر در زمینه روان‌شناسی اجتماعی و انسان‌شناسی توسعه یافته اند، توجه به ویژگی چند مجرای ارتباطات غیر کلامی

تصویرگر (برخاسته از کدهای صرفا برونزا) و یا تطبیق گر (برخاسته از کدهای صرفا درونزا) هستند. در این حالت نیز با مشاهده رفتارهای تصویرگر یا تطبیق گر در یک فضای شهری می توان به ادراکی بودن معانی فضایی پی برد.

چهارچوب مفهومی

در این قسمت بر مبنای ادبیات مرور شده در حوزه نشانه شهری، یک دسته بندی از مؤلفه های سه گانه نشانه های شهری و متغیرهای ذیل هریک، که برای برداشت اطلاعات و تحلیل فضاهای شهری ضروری هستند، ارائه می شود.

بر این اساس نشانه ها دارای گونه های متنوعی هستند: عملکردی، کالبدی، معنایی، کالبدی-عملکردی، کالبدی-معنایی، و عملکردی-معنایی. یک نشانه شهری بر حسب آن مشخصه هایی که خاصیت نشانه ای را در آن ایجاد کرده اند، در یکی از این گونه ها جای می گیرد. تشخیص کالبدی یک نشانه می تواند متأثر از دو دسته متغیر باشد: اول ویژگی های کالبدی خود نشانه، یعنی آن متغیرهایی که متعلق به خود عنصر نشانه ای و جزئی از ماهیت وجودی آن هستند. و دوم ویژگی های نقش-زمینه ای نشانه که معطوف به نوع ارتباط عنصر با زمینه و بافت پیرامون است. که مورد دوم شامل نمایانی و نحوه ترکیب حجمی با بافت مجاور است. نمایانی آن کیفیتی است که حاصل فواصل و زوایای دید به نشانه شهری است، که اساسا جزئی از منظر شهری و مرتبط با سکانس های بصری و حرکتی تعریف می شود. تمایز عملکردی یک عنصر نشانه ای ناشی از سه نوع اهمیت است. اول

رفتارهای غیر کلامی را بر حسب شیوه های کددهی معنایی (به عنوان مرحله ای تعیین کننده در فرایند مدل ارتباطات غیر کلامی) به سه گونه کنایه گر (بر پایه کدهای اختیاری)، تصویرگر (بر پایه کدهای تصویری) و تطبیق گر (بر پایه کدهای پیچیده) دسته بندی نموده است (جدول ۱). رفتارهای کنایه گر بیشتر معنایی و دارای ساختاری کلامی بوده، در میان اکثریت افراد یک گروه و جامعه پذیرفته شده ترند، و اساسا باز نمودهای فرهنگی جامعه می باشند؛ و با توجه به موضعی بودن و عدم قابلیت تعمیم در حوزه های فرهنگی و جغرافیایی، و فهم کدهای معنایی شان توسط اعضای آن جامعه یا گروه، بسیار واضح و قابل فهم هستند (کدهای اختیاری). می توان چنین استنباط نمود که رفتارهای کنایه گر در فضاهای شهری زمانی رخ می دهند که افراد با سطوح عالی تر معنی درگیر شوند چراکه این رفتارها از اساس برخاسته از جنبه های تداعی گری معنی محیط می باشند. از آنجایی که مطالعات معنی بیشتر در حوزه عناصر غیر ثابت انجام گرفته و هدف آن حرکت از حوزه عناصر غیر ثابت به عناصر ثابت و نیمه ثابت می باشد (Rapoport, 1990, 97) بنابراین در یک سنجه احتمالی می توان به صورت معکوسی با مشاهده رفتارهای کنایه گر که ویژه آن حوزه خاص و یا فرهنگی ملی باشد، پی به وجود معانی تداعی گر (یادآور) برده و آن را به حوزه های نشانه ای مورد بررسی گسترش داد.

از دیگر سو کدهای تصویری و پیچیده که در تناظر کنش گرانه با رفتارهای تطبیق گر و تصویرگر قرار می گیرند، کمتر ویژگی فرهنگی داشته و خوداگاهی در هنگام بروز رفتار کمتر است. کدهای معنایی و به تبع آن رفتارها کمتر اختیاریند. بنابراین رفتارهای متناظر با آنها یا

جدول ۱. عناصر و فرایند تحلیل معنایی^{۲۰}

معنی محیطی		گونه
ادراکی (دریافتی)	تداعی گر (یادآور)	اثرات محیطی
مستقیم	غیرمستقیم	کدهای محیطی
تصویری و پیچیده (درونزا و برونزا)	اختیاری	گونه های رفتاری
تصویرگر و تطبیق گر	کنایه گر	روش تحلیل
تحلیل غیر کلامی (در حوزه عناصر غیر ثابت)	تحلیل کلامی و غیر کلامی	متغیرهای تحلیلی
رفتارهای غیر کلامی زبان بدن ثبت قرارگاهها	حافظه های جمعی (گروهی)، خاطره های جمعی (گروهی) (ویژگی یاد پایستگی محیط)	ابزار و فرایند تحلیل
مشاهده، ثبت، تحلیل و استنباط	نقشه های ذهنی، مصاحبه و تحلیل محتوا	

جدول ۲. مؤلفه‌های سه‌گانه نشانه‌های شهری و متغیرهای آن^{۲۱}

معنی		عملکرد		کالبد	
حافظه‌های جمعی	تکرار	شدت استفاده	کارکردی اهمیت	رنگ	
		نوع استفاده		مصالح	
		خاطره‌های جمعی	زمان روزمره	زمانی اهمیت	شکل کلی
رفتارهای غیر کلامی	زمان چرخه‌ای	اندازه و مقیاس			
فعالیت‌ها	تکرار	گروه‌های سنی و جنسی	نوع استفاده‌کنندگان	فواصل دید	نمایانی
قرارگاه‌های رفتاری		گروه‌های فرهنگی و مذهبی		زوایای دید	
لباس، سن، جنس		گروه‌های درآمدی		نحوه ترکیب حجمی با بافت مجاور	

مهم ویژگی کلیدی رویکرد مقاله حاضر به مطالعه نشانه‌های شهری است، که در گام اول به تجزیه نشانه به اجزای سازنده، در گام دوم تحلیل مستقل هریک از آنها، و سپس به ترکیب گونه‌شناسانه‌شان می‌پردازد.

در این راستا انتخاب صحیح نمونه موردی به چند دلیل حائز اهمیت بوده و لازم است واجد ویژگی‌های زیر باشد: نخست اختلاط مناسبی از انواع کاربری در محدوده موجود باشد، به گونه‌ای که میزان قابل قبولی از تراکم مسکونی در برابر اداری و تجاری حاضر باشد، تا جامعه آماری پژوهش ترکیب همگنی از ساکنین دائم، موقت و غیرساکنین را در بر بگیرد. دوم محدوده مورد مطالعه بهتر است در تمام یا بخشی از یک معبر ساختاری در نظر گرفته شود، به گونه‌ای که پراکنش مناسبی از عناصر شاخص (و نه الزاماً نشانه‌ای) با توزیع قابل قبول در هر سه مؤلفه مورد بررسی در آن موجود باشد. سوم با توجه به اینکه درک خاصیت نشانه‌ای، بدون در نظر گرفتن مفهوم زمان و گذر آن، گنگ است؛ لازم است محدوده مورد مطالعه حوزه‌ای باشد که در ارتباطی دو سویه با زندگی روزمره مردم و در طول حیات چند نسل از آنان پیش رفته و تغییر یافته‌است.

ویژگی‌های بالا تعمیم‌پذیری نتایج حاصله را از طریق به حداکثر رساندن تنوع در جامعه آماری تصادفی افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، چون نشانه‌بودن یک عنصر شهری وابسته به تصاویر ذهنی مردم است، پس در هر پژوهشی در حوزه نشانه شهری، باید از روش اخذ تصویر ذهنی استفاده نمود، که جزئیات آن بسته به نوع پژوهش تغییر می‌کند. چه بسیار عناصری که در نگاه اول دارای تمایز ویژه‌ای با زمینه هستند، ولی در تصاویر ذهنی مردم جایگاهی ندارند.

اهمیت صرفاً کارکردی معطوف به نوع استفاده و شدت استفاده از نشانه که ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین شاخصه است. دوم اهمیت عملکردی ناشی از بعد زمانی استفاده که مربوط به ساعات مختلف شبانه‌روز و چرخه‌های فصلی، سالیانه و غیره می‌شود؛ مثلاً عناصری مثل یک کافه شبانه، یک بازارچه فصلی یا یک نخل قدیمی که صرفاً در ایام محرم مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توانند واجد این کیفیت باشند. و سوم اهمیتی که می‌تواند در اثر نوع استفاده‌کنندگان در یک عنصر شهری ایجاد شود و سبب نشانه‌شدن آن گردد. لازم به ذکر است که معمولاً ترکیبی از چند ویژگی به طور هم‌زمان، سبب شاخص شدن یک عنصر شهری می‌شود. این چند ویژگی از مؤلفه‌های سه‌گانه آغاز می‌گردند و به متغیرهای ریزتر می‌رسند. اگر نظر را پاپورت را درباره معنی پذیرفته شود، معنی نشانه شهری متأثر از دو نوع معنی تداعی‌گر و ادراکی خواهد بود، که هر دو اینها را می‌توان با رویکردهای کلامی و غیر کلامی مورد تحلیل قرار داد، ولی تأکید اصلی را پاپورت بر روی رویکرد غیر کلامی با مطالعه رفتارهای غیر کلامی است. ولی مطالعه این رفتارها در حوزه عناصر غیر ثابت و در تحلیل معانی تداعی‌گر ارزش بیشتری دارد؛ ولی بخشی از معانی تداعی‌گر در حوزه کلامی با استفاده از مصاحبه‌های حضوری و پرسش‌نامه‌ها قابل حصولند و بخشی دیگر را می‌توان با مطالعه و ثبت و تحلیل رفتارهای غیر کلامی تفسیر نمود. در حوزه معانی ادراکی می‌توان با رویکرد غیر کلامی به تحلیل نشانه‌ها پرداخت.

مطالعه نمونه موردی

مطالعه نظام‌مند نشانه‌ها در ابعاد کالبد، عملکرد و معنا، بدون تحلیل مستقل هریک از این ابعاد اگر غیر ممکن نباشد، بسیار دشوار است. این

اساس مؤلفه‌های سه‌گانه و زیرمؤلفه‌هایشان ثبت و دسته‌بندی گردید.

۱ تحلیل کالبدی نشانه‌ها

در میان عوامل کالبدی، ویژگی‌های ماهوی در یک بستر مستقل و ویژگی‌های نقش-زمینه‌ای در مجموعه‌ای از عناصر مرتبط با هم مورد تحلیل قرار می‌گیرد. ویژگی‌های ماهوی بر ویژگی‌های نقش-زمینه‌ای اثر گذارند، برای مثال قرار گیری یک ساختمان ده طبقه در زمینه‌ای از عناصر بلند مرتبه سبب شود تا این بنا به عنوان یک نشانه در ذهن مردم ثبت نگردد، حال آنکه اگر این ساختمان در زمینه‌ای از اینه دو تا سه طبقه قرار می‌گرفت، احتمال نشانه‌شدن آن بسیار بیشتر می‌شد. در برای نشانه شدن کالبدی یک عنصر لازم است این دودسته عوامل همزمان حضور داشته باشند، یعنی این دسته‌بندی فقط در ساحت نظر امکان‌پذیر است، و در عمل نمی‌توان عوامل ماهوی و نقش-زمینه‌ای را از هم جدا کرد، مثلاً هنگامی که یک عنصر بیشتر به دلیل رنگ ویژه‌اش نشانه می‌شود؛ قطعاً سادگی رنگی زمینه به این خاصیت کمک نموده‌است.

به لحاظ رنگ و مصالح، عناصری چون مرکز خرید صفویه، بقعه امامزاده صالح(ع) و ایستگاه آتش‌نشانی پارک وی؛ از نظر شکل کلی، موزه سینما، باشگاه خبرنگاران، هلال احمر، رستوران لوکس طلایی و مرکز خرید صفویه؛ از حیث اندازه و مقیاس، پارک ملت، برج‌های اسکان، بیمارستان قلب و برج نگار؛ به لحاظ نمایانی، برج‌های اسکان، مسجد بلال، موزه سینما، مجتمع تندیس، برج نگار و ساختمان صدا و سیما؛ و در نهایت از نظر نحوه ترکیب حجمی با بافت مجاور، رستوران سوپر استار، رستوران لوکس طلایی و برج نگار واجد بیشترین خاصیت

بنابراین ویژگی‌ها و ملاحظات، می‌بایست یکی از معابر ساختاری یا حوزه‌های کلان و اثرگذار شهری به عنوان محدوده مطالعه انتخاب شود. از میان معابر ساختاری شهر تهران، خیابان ولیعصر(ع) هم به لحاظ بروز بیرونی (عملکرد و کالبد) و هم از نظر جایگاهش در ذهن و خاطره مردم (معنا) حائز اهمیت است. ویژگی‌های این خیابان با سه مؤلفه مورد اشاره در بالا نیز هم‌خوانی نسبی دارد. با توجه به طول بسیار زیاد این خیابان و دشواری انجام پژوهش، و پس از بررسی چند گزینه، محدوده میدان ونک تا تجریش به طول حدود ۶/۵ کیلومتر برای مطالعه موردی انتخاب گردید. این محدوده در طول زمان همگام با زندگی روزمره شهری مردم تهران رشد کرده و همچنین واجد سطح پایینی از فرسودگی به نسبت دیگر بخش‌های این خیابان است. وجود چند محله با سطح قابل قبولی از هویت‌مندی اجتماعی در حوزه بلافصل محدوده، سبب شده تا این بخش ارتباط متقابل بیشتری را با بعد سکونت‌ی زندگی شهری، در کنار ابعاد اداری و تجاری آن، برقرار نماید. بدین معنی که تنوع مطلوبی از کاربری‌های مسکونی، تجاری، فرهنگی، اداری و غیره در محدوده و بلافصل آن وجود دارد. عناصر شاخص نیز متشکل از مجموعه متنوعی از ساختمان‌های گوناگون با نقش‌های مختلف، و دیگر عناصر شهری است.

در این بخش با ۱۵۰ نفر از شهروندان مصاحبه صورت گرفت، که در آن بخشی از فرایند اخذ نقشه ذهنی طی شد، بدین صورت که از مردم خواسته شد، نام و موقعیت عناصری که بیشترین اهمیت و میزان به‌یادسپاری را برایشان داراست، روی نقشه ساده‌شده‌ای از محدوده مشخص نمایند. همچنین دلیل اهمیت و تشخیص هر نشانه را به صورت شفاهی بیان کنند. دلایل مورد اشاره توسط شهروندان، پس از اخذ، بر



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه

مثال همانطور که برج نگار به دلیل ویژگی‌های کالبدی منحصر به فرد خود (بخش تحلیل عملکردی نشانه‌ها) در یاد شهروندان سپرده شده، عناصر شهری چون پمپ بنزین باغ فردوس و پاساژ پایتخت، صرفاً به دلیل کیفیات عملکردی خود جز نشانه‌های اصلی در ذهن مردم است. دو نشانه متأخر عملاً فاقد ویژگی‌های کالبدی شاخصی هستند.

ri تملیل معنایی نشانه‌ها

در محدوده مورد مطالعه چندین گونه از نشانه‌های معنایی را می‌توان تشخیص داد که دارای ارتباط عمودی به لحاظ معنایی بوده و در سلسله مراتب نشانه‌های معنایی به ترتیب از زیاد به کم قرار می‌گیرند. گونه نخست از نشانه‌ها که دارای بار معنایی قدسی-دینی بوده و در ارتباط کامل با فضاهای سنتی-دینی بسر می‌برند. این فضاها علاوه بر رفتارهای تطبیق‌گر و تصویرگر، مملو از رفتارهای کنایه‌گر بوده و از فرهنگ عمومی دینی مردم نشات می‌گیرند. این گونه هم در تحلیل‌های کلامی (قدمت، حافظه‌های جمعی) و هم در تحلیل‌های غیر کلامی (تحلیل رفتارهای غیر کلامی) به عنوان نشانه‌های قدرتمند معنایی ایفای نقش می‌کنند. بارزترین نشانه موجود که از این طریق مورد تحلیل واقع شده است بقعه امامزاده صالح در حوزه بلافصل میدان تجریش است، که یکی از قدرتمندترین نشانه‌های معنایی در حوزه مورد مطالعه نیز هست.

گونه دوم از نشانه‌های معنایی حاوی میزان کمتری از رفتارهای کنایه‌گرند و بیشتر محل بروز رفتارهای تصویرگرند. این نشانه‌ها را می‌توان بازتولیدی عملکردی و یا کالبدی از معانی خاص دانست که دارای ریشه‌های تاریخی و فرهنگی هستند و به خودی خود حاوی پیغام ویژه‌ای نیستند. به عبارت دیگر معنی برآمده از کالبد با عملکرد سازش ندارد. لیکن در برخی از این گونه نشانه‌ها نیز می‌توان شاهد رفتارهای کنایه‌گری بود که حامل معانی فرهنگی هستند. برای مثال در محدوده مورد مطالعه سه نشانه در این دسته جای می‌گیرند، بازارچه تجریش، بازار صفویه و باغ موزه فردوس. در این میان بازار تجریش از آنجایی که تداعی‌گر شیوه سنتی خرید به سبک ایرانی است، حامل معانی تداعی‌گر بوده و رفتارهای کنایه‌گر در آن امکان بروز می‌یابند. فضای کالبدی بازار تجریش نیز بدون شک بر این مسأله دامن می‌زند. فضای ارگانیک و شبه مرکزی بازار که یادآور بازار سنتی هستند با القای رفتارهای تصویرگر، می‌توانند محرک رفتارهای کنایه‌گر باشند. این سازگاری بین عملکرد و کالبد، در مرکز خرید صفویه وجود ندارد. فرم پلان، نوع ارتباط مشتری با فروشنده و نوع کالاها همگی المان‌هایی مدرن بوده و علی‌رغم تزئینات بنا، اصالت تاریخی و معنای مرتبط با زمینه تاریخی از آن استخراج نمی‌شود.

نشانه‌ای هستند. لازم به ذکر است این متغیرهای بر اساس آن چه که مردم ادراک نموده‌اند دسته‌بندی می‌شوند، نه آنچه که در پلان یا پرسپکتیو دیده می‌شود.

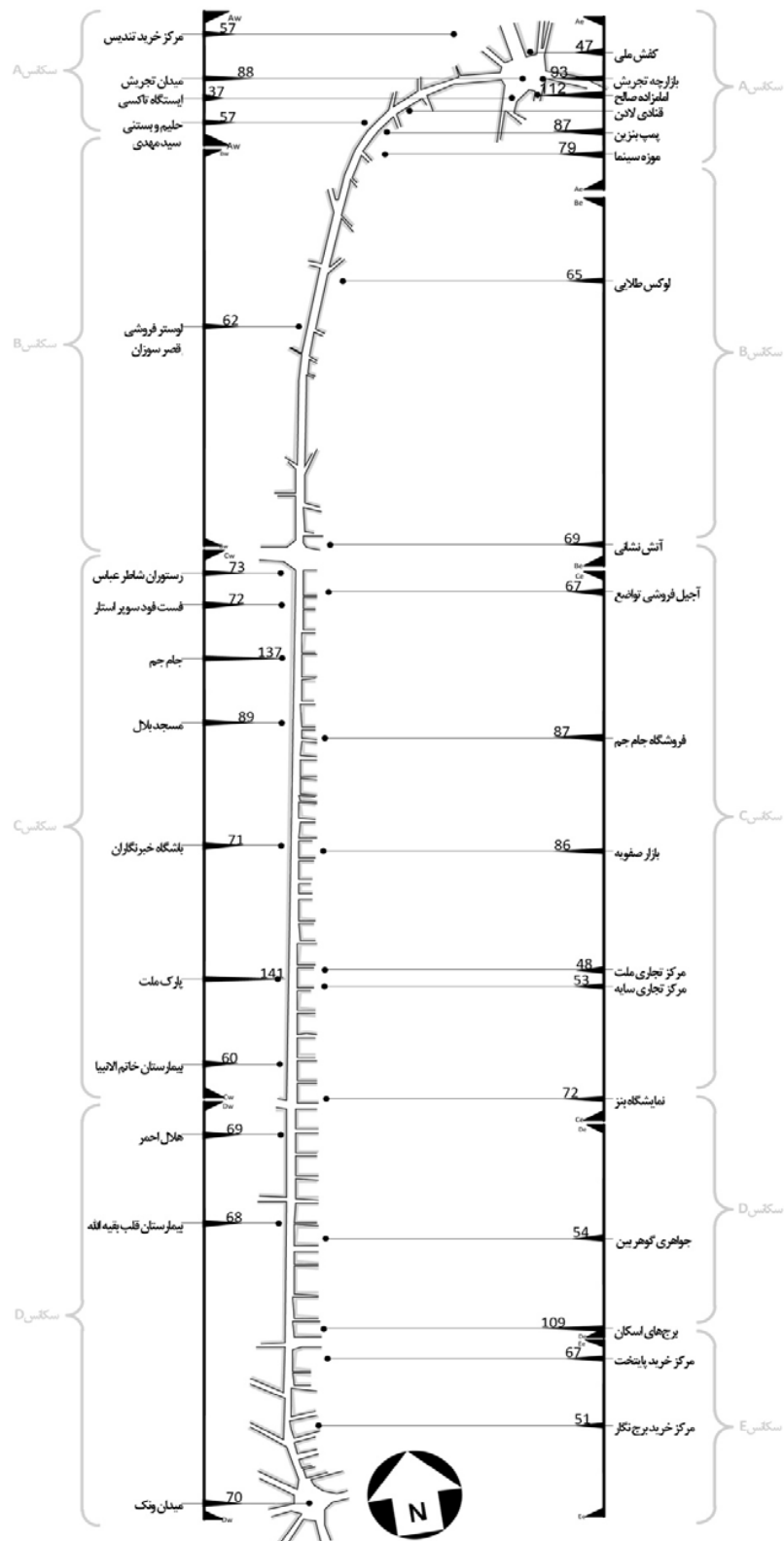
از میان نشانه‌های موجود (جدول ۳)، عناصری چون برج نگار، بقعه امامزاده صالح (ع)، صدا و سیما، موزه سینما و مجموعه اسکان و مراکز تجاری ملت و تندیس مجموعاً بیشترین تشخص کالبدی را دارا می‌باشند. اغلب نشانه‌های مذکور علاوه بر ویژگی‌های ماهوی، دارای موقعیت ویژه‌ای به لحاظ نمایی نیز هستند، که تشخص کالبدی آنها را تقویت می‌نماید. همچنین از میان عوامل ماهوی کالبدی و نقش-زمینه‌ای، به ترتیب نمایی، اندازه و مقیاس، شکل کلی، مصالح و رنگ، و در نهایت ترکیب حجمی با بافت مجاور بیشترین سهم را در القای خاصیت نشانه‌ای نشانه‌های موجود دارند.

ri تملیل عملکردی نشانه‌ها

عملکرد یک نشانه، با توجه به تعریف دقیق واژه عملکرد که ورای ابزار محض و درک این نکته است که مکان‌ها چگونه کار می‌کنند، می‌تواند یک عنصر شهری را تبدیل به نشانه‌ای عملکردی نماید. سه جنبه اهمیت کارکردی، اهمیت زمانی و نوع استفاده‌کنندگان مورد سنجش و تحلیل قرار گرفت. به لحاظ اهمیت کارکردی، عناصری چون پارک ملت، بازارچه تجریش، پمپ بنزین باغ فردوس و بیمارستان خاتم الانبیا (ص)؛ از نظر اهمیت زمانی، امامزاده صالح (ع)، رستوران‌های سوپرستار و حاتم و شاطر عباس، و فروشگاه جام‌جم؛ و در نهایت از حیث نوع استفاده‌کنندگان جواهری گوهری، قصر سوزان، امامزاده و موزه سینما و پارک ملت واجد بیشترین خاصیت نشانه‌ای هستند.

با ملاحظه جدول ۳، می‌توان دریافت که از بین نشانه‌های موجود، عناصری چون پارک ملت، بازارچه تجریش، پمپ بنزین باغ فردوس، بیمارستان خاتم الانبیا، امامزاده صالح (ع) و پاساژ پایتخت مجموعاً واجد بیشترین خاصیت نشانه‌ای به لحاظ عملکردی هستند.

تحلیل عملکردی نشانه‌ها برآمده از تصویر ذهنی مردم و مصاحبه با آنان در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد که علی‌رغم پیش‌بینی نگارندگان، بعد عملکردی نقش بسیار پررنگی در تشخص نشانه‌ای عناصر داشته است؛ به نحوی که تعداد ده عدد از نشانه‌های موجود دارای بالاترین سطح از تشخص عملکردی (مربع‌های بزرگ در جدول ۳) و یازده عدد دارای تشخص عملکردی در حد متوسط (مربع‌های متوسط در جدول ۳) هستند؛ که مجموعاً در مقایسه با مؤلفه کالبدی در سطح بالاتری از تکرار و اهمیت قرار می‌گیرد. این اهمیت را این گونه نیز می‌توان توضیح داد که از یازده نشانه پر تکرار در محدوده مطالعه، هفت نشانه دارای تشخص عملکردی در سطح بالا هستند. به طور



گونه	تحلیل متغیرها											تعداد تکرار در نقشه‌های ذهنی (از ۱۵۰)	نشانه				
	ارزیابی			معنی				عملکرد						فرم			
	عملکرد	معنی	فرم	ادراکی		تداعی		شدت استفاده	نوع استفاده	زمان استفاده	نوع استفاده کنندگان			رنگ و مصالح	شکل کلی	اندازه و مقیاس	نمایی
				ادراکی	تداعی	ادراکی	تداعی										
عملکرد	معنی	فرم	تطبیق	تصویر	کلیه	حافظه	فرهنگ	قدمت	نوع استفاده	زمان استفاده	نوع استفاده کنندگان	رنگ و مصالح	شکل کلی	اندازه و مقیاس	نمایی		
کالبدی-عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۱۴۱	پارک ملت
کالبدی-عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۱۳۷	مجموعه صدا و سیما
کالبدی-عملکردی-معنایی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۱۱۲	امامزاده صالح
کالبدی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۱۰۹	برج‌های اسکان
کالبدی-عملکردی-معنایی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۹۲	بازارچه تجریش
کالبدی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۸۹	مسجد بلال
عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۸۷	پمپ بنزین باغ فردوس
عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۸۷	فروشگاه جام جم
کالبدی-معنایی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۸۶	مرکز خرید صفویه
کالبدی-معنایی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۷۹	موزه سینما(صنایع باغ فردوس)
عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۷۲	رستوران شاطر عباس
کالبدی-عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۷۲	رستوران سوپر استار
کالبدی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۷۱	باشگاه خبرنگاران جوان
کالبدی-عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۶۹	آتش نشانی پارک وی
کالبدی-عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۶۹	هلال احمرایران
کالبدی-عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۶۸	بیمارستان قلب بقیه ا...
عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۶۷	پاساژ پایتخت
عملکردی-معنایی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۶۷	آجیل فروشی تواضع
کالبدی-عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۶۵	رستوران لوکس طلایی
عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۶۲	قصر سوزان
عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۶۰	بیمارستان خاتم‌الانبیاء
کالبدی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۵۷	برج تندیس
عملکردی-معنایی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۵۷	حلیم و بستنی سید مهدی
کالبدی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۵۷	برج سایه
کالبدی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۵۳	برج نگار
کالبدی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۵۳	برج ملت
عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۵۱	کفش ملی تجریش
کالبدی-عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۴۸	شیرینی فروشی لادن
عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۴۷	جواهری گوهربین
عملکردی	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۴۴	ایستگاه تاکسی تجریش

■ تاثیر زیاد متغیر در خاصیت نشانه ای ■ تاثیر متوسط متغیر در خاصیت نشانه ای ■ تاثیر کم متغیر در خاصیت نشانه ای

جدول ۳. تحلیل و ارزیابی نشانه‌ها در محدوده مورد مطالعه.

این مسأله در مورد باغ موزه فردوس با شدت بیشتری قابل تفسیر است. این مجموعه در یک گسیختگی عملکردی با کاربری اصیل خویش به سر می‌برد که در طی فرایند مرمت به موزه سینما تغییر کاربری داده است. به همین دلیل بایست در معنایی خواندن این نشانه کمی با احتیاط عمل نمود. در واقع این مجموعه شامل یک موزه و یک فضای عمومی جدا از آن است. با گذار از این فضای عمومی به سمت بنای اصلی موزه رفتارها بیشتر جنبه تصویرگر یافته و بنابراین بیشتر آگاهانه‌تر می‌شوند. گروه سومی را نیز می‌توان تشخیص داد، گروهی از نشانه‌های معنایی (اگر بتوان این نام را بر آنها اطلاق کرد) که صرفاً به واسطه قدمت عملکردی آنها و کالاهایی که عرضه می‌کنند قابل بحث می‌باشند. نشانه‌هایی که در این حوزه قرار می‌گیرند شامل دو مغازه خرده فروشی می‌باشند: آبیلی تواضع، و حلیم بستنی سید مهدی. ماحصل تحلیل‌های نشانه‌های موجود در سه حوزه کالبد، عملکرد و معنی در جدول ۳ گنجانده شده، که گونه شناسی و سهم مؤلفه‌های سه‌گانه و متغیرهای ذیل هر یک در آن آورده شده است. اندازه مربع‌ها نشان‌گر میزان تأثیرگذاری هر متغیر بر خاصیت نشانه‌ای عناصر شهری است، بدین صورت که مربع‌های بزرگتر مؤید نقش بالا، مربع‌های متوسط نمایانگر نقش متوسط، و مربع‌های کوچک نشانگر نقش ناچیز متغیرها بر تشخیص نشانه‌ها است. رنگ خاکستری مربع‌ها (در بخش معنی) مربوط به رفتارهای تصویرگر و تطبیق‌گر، از آن جهت انتخاب شده‌اند که این دو نوع رفتار، در مقایسه با رفتارهای کنایه‌گر تأثیر ضعیف و سطحی‌ای بر معنای نشانه‌های شهری دارند. بخش ارزیابی جدول، جمع‌بندی متغیرها در قالب مؤلفه‌های سه‌گانه است. به طور مثال تحلیل جامع نشانه‌ای مثل مسجد بلال نشان می‌دهد، نخست این عنصر دارای تکرار زیاد در نقشه‌های ذهنی شهروندان و به تبع آن نقش نشانه‌ای قابل ملاحظه است؛ و دوم سه مؤلفه فرم، عملکرد و معنی در تشخیص آن به ترتیب نقش زیاد، ناچیز و ناچیز داشته و عملاً این مسجد را به عنوان نشانه‌ای کالبدی در ذهن مردم جای داده‌اند. این تحلیل‌های برآمده از روش مطالعه پژوهش حاضر را می‌توان برای هر یک از نشانه‌ها انجام داد. اهمیت جدول ۳ در تحلیل جامع منجر به گونه‌شناسی نشانه‌ها است.

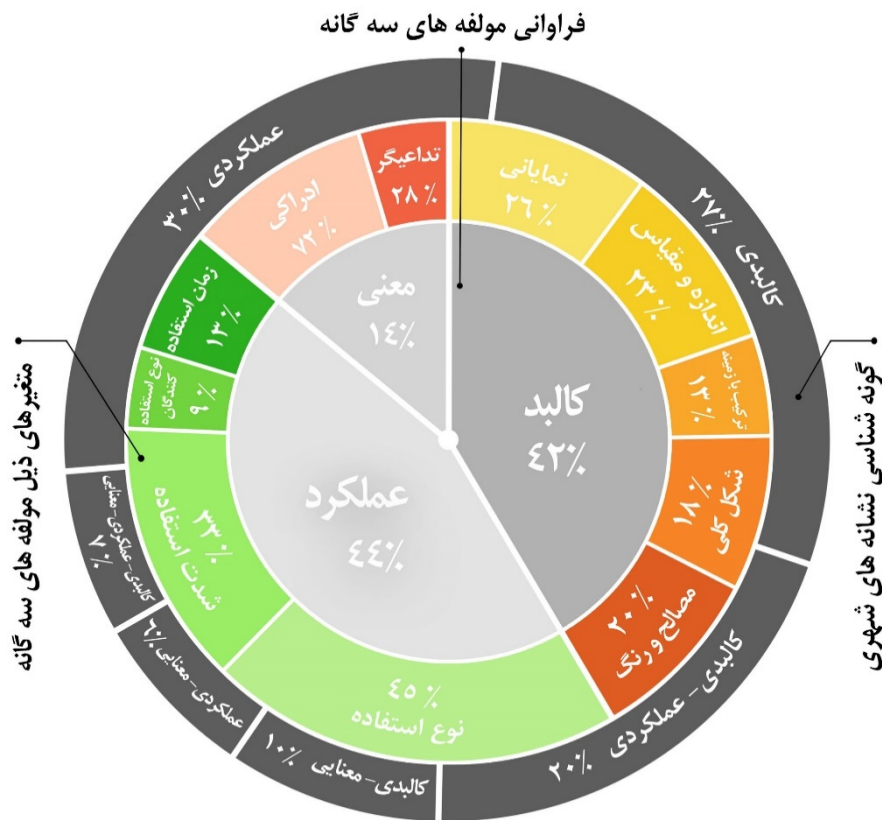
نتیجه‌گیری

چنانکه پیش‌تر اشاره شد جداسازی عملی سه مؤلفه کالبد، عملکرد و معنی در تحلیل نشانه‌ها بر خلاف شکل نظری آن امکان‌پذیر نیست. شکل ۴ بیانگر نتایج این مقاله به صورت کمی و با بیانی گرافیکی

است. درصدها که معطوف به میزان سهم مؤلفه‌ها، متغیرها و در نهایت گونه‌های نشانه‌های شهری هستند، بر اساس دو ستون ارزیابی و گونه در جدول ۳ به‌دست آمده‌اند. یافته‌های این نوشتار معطوف به گونه‌شناسی نشانه‌ها نشان می‌دهد نشانه‌ها بیشتر به صورت ترکیب دوتایی از مؤلفه‌های سه‌گانه و کمتر به صورت تک‌مؤلفه‌ای خود را می‌نمایانند. همچنین از بین مؤلفه‌های ترکیبی کمترین میزان به نشانه‌هایی اختصاص دارد که شامل هر سه مؤلفه می‌شد. در نمونه موردی پژوهش حاضر، از میان ترکیب‌های دوتایی مورد اشاره، زوج مرتب کالبدی-عملکردی (۹ تکرار) بیشترین گونه نشانه‌ای را به خود اختصاص داده و پس از آن گونه‌های عملکردی-معنایی (۳ تکرار) و کالبدی-معنایی (۲ تکرار) با اختلاف محسوسی در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. در میان گونه‌های تک‌مؤلفه‌ای نشانه‌های عملکردی (۸ تکرار) و کالبدی (۶ تکرار) بیشترین سهم را دارند. لازم به ذکر است هیچ‌گونه نشانه معنایی صرف در محدوده تشخیص داده نشد. این نتیجه خود موید این مطلب است که معنی دارای ماهیتی عرضی بوده و قائم‌به‌ذات نیست و با حضور دیگر مؤلفه‌ها است که تولید می‌شود. یافته‌های این مقاله را از لحاظ میزان تأثیر مؤلفه‌های سه‌گانه و متغیرهای ذیل آنها بر تشخیص نشانه‌ای عناصر شهری نیز می‌توان تحلیل کرد. متغیرهای تبیین شده برای هر کدام از مؤلفه‌های سه‌گانه نیز سهم متفاوتی در میزان نشانه‌ساز بودن مؤلفه دارا بودند. در مؤلفه کالبدی بیشترین سهم متعلق به متغیر نمایانی بوده که بعد از آن به‌ترتیب متغیرهای اندازه و مقیاس، مصالح و رنگ، شکل کلی و نحوه ترکیب حجمی با بافت مجاور با اختلاف کمی قرار می‌گیرند. این بدین معنی است که متغیرهای مؤلفه کالبد، تقریباً به یک میزان بر تشخیص کالبدی نشانه‌های موجود مؤثر هستند. در بعد عملکردی تأثیرگذاری متغیرها تفاوت بیشتری پیدا می‌کند. در این مؤلفه، اهمیت کارکردی آنها (متغیرهای شدت و نوع استفاده) بیشترین تأثیر را داشته و اهمیت زمانی و نوع استفاده‌کنندگان تأثیر کمتری دارند. در مؤلفه معنایی نیز باید گفت معانی ادراکی تکرارتر از معانی تداعی‌گر هستند، بدین صورت که بیش از دوبرابر معانی تداعی‌گر در عناصر نشانه‌ای حضور دارند. هرچند همانطور که قبلاً اشاره شد، علی‌رغم کمیت کمتر، میزان تأثیر معانی تداعی‌گر در به‌یادسپاری نشانه‌ها بیش از معانی ادراکی است.

پی‌نوشت‌ها

1. Sign
2. Way finding
3. Signifier



شکل ۴. گونه‌شناسی نشانه‌ها، و فراوانی مؤلفه‌ها و متغیرهای ذیل آنها.

۲۰. برداشت از (Rapoport, 1990)

۲۱. برداشت از (لینچ، ۱۳۸۵)، (Rapoport, 1990). (Appleyard, 1970) و (پاکزاد، ۱۳۸۰)

فهرست مراجع

۱. بارت، رولان. (۱۳۷۰). عناصر نشانه‌شناسی. (مجید محمدی، مترجم). تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.
۲. بحرینی، سید حسین؛ بلوکی، بهناز؛ و تقابن، سوده. (۱۳۸۸). تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵). سیمای شهر: آنچه کوین لینچ از آن می‌فهمید. مجله آبادی، (۵۳)، ۲۵-۲۰.
۴. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۸). مبانی نظری و فرایند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
۵. تابان، محسن؛ پورجعفر، محمدرضا؛ و پورمند، حسنعلی. (۱۳۹۱). هویت و مکان، رویکردی پدیدارشناسانه، هویت شهر، (۱۰۱)، ۹۰-۷۹.
۶. چندلر، دنیل. (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی. (مهدی پارسا، مترجم). تهران:

4. Signified
5. Cognition
6. Perception
7. Physical attributes
8. Activities
9. Conceptions

۱۰. منظور از کالبد، بعد ظاهری فرم عنصر نشانه‌ای است.

11. Roland Bart
12. Singularity
13. Prominence of spatial location
14. Appleyard
15. Distinctiveness of Form
16. Visibility
17. Significance
18. Location
19. Ekman

17. Gottdiene, M., & Lagopoulos, A. P. (1986). *The City and the Sign: An Introduction to Urban Semiotics*. New York: Columbia University Press.
18. Gottdiener, M. (1985). *The Social Production of Urban Space*. Austin-Texas: University of Texas Press.
19. Kalin, A., & Yilmaz, D. (2012). A Study on Visibility Analysis of Urban Landmarks. *METU Journal of the Faculty of Architecture*, 29, 241-271.
20. Lagopoulos, A. (1993). Postmodernism, geography and the social semiotics of space. *Environment&Planning D: Society&Space*, (11), 78-255.
21. Punter, J. V. (1991). Participation in the Design of Urban Space. *Landscape Design*, (1) ,24-27.
22. Rapoport, A. (1990). *The Meaning of the Built Environment*. Arizona: The University of Arizona Press.
23. Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion limited.
24. Saussure, F. d. (1977). *Course in General Linguistics*. Glasgow: Fontana/Collins.
25. Trieb, M. (1974). *Stadtgestaltung. Theorie und Praxis*. Bertelsmann.
- انتشارات سورهی مهر (حوزهی هنری).
۷. خطیبی، سید محمدرضا. (۱۳۹۲). تاثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر، هویت شهر، ۱(۱۳)، ۶۳-۷۲.
۸. سجودی، فرزانه. (۱۳۸۳). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: نشر قصه.
۹. سوسور، فردینان دو. (۱۳۷۸). دوره زبانشناسی عمومی. (کوروش صفوی، مترجم). تهران، انتشارات هرمس.
۱۰. شولتز، کریستین نوربرگ. (۱۳۸۱). مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی. (محمود امیر یاراحمدی، مترجم). تهران: موسسه انتشارات آگه.
۱۱. ضیمران، محمد. (۱۳۸۲). نشانه‌شناسی هنر. تهران: نشر قصه.
۱۲. لینچ، کوین. (۱۳۸۵). سیمای شهر. (منوچهر. مزینی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
13. Appleyard, D. (1970). Styles and Methods of Structuring a City. *Environment and Behaviour*, 2, 100-116.
14. Caduff, D., & Timpf, S. (2008). On the assessment of landmark salience for human navigation. *Cognitive Processing*, 9, 249-267.
15. Canter, D. (1977). *The Psychology of Place*, London: The Architectural Press.
16. Ekman, P., Sorenson, E. R., & Friesen, W. V. (1969). Pan-cultural elements in facial displays of emotion. *Science*, 164, 86-88.

Legible Urban Landmarks: a Typological Approach (Case Study: Vali'asr Street in Tehran)

*Elina Mohammad Hassani**, M.A. In Urban Design, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Abolfazl Toghraei, Ph.D. Candidate in Urbanism, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Morteza Mirgholami, Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

... Abstract

Studies on perceived quality of urban environments, look for ways of establishing harmonious relationship between people and cities. In the contemporary city, this harmony cannot be seen properly in the relationship between people and elements that are important in urban legibility. Urban landmarks are one kind of those elements that we observe a chaotic attendance for them in Iran's capital, Tehran. The most common definitions of landmarks indicate that they are some recognizable natural or man-made features used for navigation, features that stands out from their near environment and are often visible from long distances. In urban studies as well as in geography, a landmark is furthermore defined as an external point of reference that helps orienting in a familiar or unfamiliar environment. Also, it should be noted that we know urban landmarks as significant elements in both urban landscape and image. They are conceivably the most fundamental pieces of spatial information as they are used for a wide collection of tasks related to the description, understanding of and reasoning about our physical environment. In this paper, we propose a conceptual framework for legibility factors of urban landmarks along urban structural pathways with emphasis on form, function and meaning. In other words, this paper is to answer the question "which factors play the most important role in changing an element, building, etc. to an urban landmark along structural pathways?" Therefore, in this qualitative research, after considering and summarizing the literature review, a conceptual framework based on the ideas of Lynch, Appleyard and Rapoport was developed. Also, people were requested to specify urban landmarks they know on a simplified map of the street. Then we identified the most important landmarks (along Vali'asr street in Tehran) based on analyzing people's mental maps. After all, main factors/ features of the landmarks were extracted and summarized. The important feature of this study is not only considering urban landmark as a phenomenon consists of the dialectical relationship between the three components (form, function and meaning), but this is also going to propose a typological analysis of the factors mentioned above and their variables. Reviewing literature on urban landmarks shows that the main emphasis of relevant studies is more on formal and visual aspects rather than functional and semantic. So the focus of the paper on the meaning of landmarks tried to be comprehensive and novel. The results of this study are to be used primarily for urban designers, urban planners and architects to understand what features are important for people to identify an element as a landmark during the time, and help them to decrease the current chaos in urban landscape especially in developing countries urban areas. The results show that functional and formal aspects of landmarks play a more important role, respectively, in the legibility of urban landmarks. Also type of use, intensity of use and visibility have greatest impact on identifying those elements. On the other hand, we observed that functional, formal and formal-functional landmarks are, respectively, main types in the case study.

... **Keywords:** Urban Landmarks, Semantic Landmarks, Structural Pathways, Mental Map

* Corresponding Author: Email:hassanielina@yahoo.com